

Original article

Impact of Life Skills Training on the Hope for the Future and Emotional-behavioral Problems of Afghan Migrant Child Laborers in Isfahan

Nasimeh Nourian¹Maryam Moghimian^{2*}

1. Master of Clinical Psychology, Clinical Psychology Department, Clinical Research Development Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran
2. Associate Professor, Psychiatric Nursing Department, Nursing and Midwifery Sciences Development Research Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

***Corresponding author:** Maryam Moghimian, Psychiatric Nursing Department, Nursing and Midwifery Sciences Development Research Center, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

Email: Maryam.moghimian@iau.ac.ir

Received: 22 January 2025

Accepted: 02 March 2025

ABSTRACT

Introduction and purpose: Due to being away from or being neglected by their families, child laborers spend their childhoods far from happiness and peace. This situation affects their sensitive childhood and adulthood years and leads to emotional and behavioral problems, such as aggression and anxiety. The present study aimed to assess the effect of life skills training on emotional behavioral problems and hope for the future of Afghan migrant child laborers.

Methods: This quasi-experimental study was conducted with the research population consisting of Afghan migrant child laborers in Isfahan in 2023. A total of 50 cases were selected using the convenience sampling method and were randomly assigned to two groups: intervention and control. The intervention group received 10 sessions of life skills training, while the control group did not receive any intervention. Participants answered the Kazdin Children's Hopelessness and Goodman Strengths and Weaknesses Questionnaires before and after the study. Data were analyzed in SPSS software (version 18) using descriptive (frequency, mean, and percentage) and inferential (independent and paired t-tests) tests.

Results: The mean scores for emotional-behavioral problems and hope for the future were not significantly different between the two groups before the study ($P < 0.05$). After the intervention, the mean score of emotional-behavioral problems was 46.31 ± 0.49 , with a significant decrease in all its components except the hyperactivity component ($P = 0.001$). Nonetheless, the mean score of hope for the future was 16.03 ± 6.18 , which was not significant. In the control group, the mean scores of the variables remained unchanged and were not statistically significant ($P < 0.05$).

Conclusion: As evidenced by the obtained results, life skills training improves the emotional-behavioral problems of Afghan migrant child laborers; however, a longer process may be needed to impact their future aspirations.

Keywords: Child laborer, Emotional-behavioral problems, Hope for the future, Life skills

► **Citation:** Nourian N, Moghimian M. Impact of Life Skills Training on the Hope for the Future and Emotional-behavioral Problems of Afghan Migrant Child Laborers in Isfahan. Journal of Health Research in Community. Spring 2025;11(1): 22-34

مقاله پژوهشی

تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر امید به آینده و مشکلات هیجانی رفتاری کودکان کار مهاجر افغان
شهر اصفهان

چکیده

نسیمه نوریان^۱
مریم مقیمیان^{۲*}

مقدمه و هدف: کودکان کار به دلیل دور بودن یا بی‌توجهی خانواده، کودکی‌شان را دور از شادی و آرامش سپری می‌کنند که این وضعیت بر سال‌های حساس کودکی و بزرگ‌سالی آن‌ها تأثیرگذار است و منجر به بروز مشکلات هیجانی رفتاری مانند پرخاشگری و اضطراب در آن‌ها می‌شود. این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر مشکلات رفتاری هیجانی و امید به آینده کودکان کار مهاجر افغان انجام شد.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه نیمه تجربی است. جامعه پژوهش، کودکان کار مهاجر افغان شهر اصفهان در سال ۱۴۰۲ بودند. ۵۰ کودک کار به صورت در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه مداخله و کنترل جایگزین شدند. گروه مداخله ۱۰ جلسه آموزش مهارت‌های زندگی را دریافت کرد. گروه کنترل مداخله‌ای دریافت نکرد. شرکت‌کنندگان قبل و بعد از مطالعه به پرسش‌نامه‌های ناامیدی کودکان کازدین و سنجش نقاط قوت و ضعف گودمن پاسخ دادند. داده‌ها با آزمون‌های توصیفی (فراوانی، میانگین و درصد) و استنباطی (تی مستقل و زوجی) در نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: میانگین نمرات مشکلات هیجانی رفتاری و امید به آینده قبل از مطالعه در دو گروه معنادار نبود ($p > 0/05$). بعد از مداخله، میانگین نمرات مشکلات هیجانی رفتاری $46/31 \pm 0/49$ بود که در همه مؤلفه‌های آن به جز مؤلفه بیش‌فعالی کاهش معنادار داشت ($p = 0/001$). اما میانگین نمره امید به آینده $16/03 \pm 6/18$ معنادار نبود. در گروه کنترل، میانگین نمرات متغیرها تغییری نداشت و معنادار نبود ($p > 0/05$).

نتیجه‌گیری: آموزش مهارت‌های زندگی، مشکلات هیجانی رفتاری کودکان کار مهاجر افغان را بهبود می‌بخشد، اما برای تأثیرگذاری بر امید به آینده برای آنان شاید فرایند طولانی‌تری نیاز باشد.

واژه‌های کلیدی: کودک کار، مهارت زندگی، مشکلات رفتاری هیجانی، امید به آینده

۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی، مرکز تحقیقات توسعه پژوهش‌های بالینی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران
۲. دانشیار، گروه روان‌پرستاری، مرکز تحقیقات توسعه علوم پرستاری و مامایی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

* نویسنده مسئول: مریم مقیمیان، گروه روان‌پرستاری، مرکز تحقیقات توسعه علوم پرستاری و مامایی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

Email: Maryam.moghimian@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

◀ **استناد:** نوریان، نسیمه؛ مقیمیان، مریم. تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر امید به آینده و مشکلات هیجانی رفتاری کودکان کار مهاجر افغان شهر اصفهان. مجله تحقیقات سلامت در جامعه، بهار ۱۴۰۴؛ ۱۱(۱): ۳۴-۲۲

مقدمه

دوره کودکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین دوره‌های زندگی است که شخصیت انسان در آن شکل گرفته و این تحول

در دوره‌های بعدی تکامل می‌یابد. در این دوران آشنایی با مهارت‌های زندگی می‌تواند به کودک در دستیابی به آموزش صحیح هیجانات و رفتارها در مسیر رشد و تکامل کمک کند [۱]. اما بستر زندگی خانوادگی و اجتماعی بسیاری از کودکان از جمله کودکان کار چنان است که دستیابی به چنین هدفی را دشوار و گاه ناممکن می‌سازد. آن‌ها به جای کودکی شیرین و با امنیت، دورانی سخت و طاقت‌فرسا دارند، اغلب در کنار والدین یا مدرسه حضور ندارند تا به تحصیل، بازی و تفریح بپردازند و مراحل رشد طبیعی خود را طی کنند. محرومیت از این مزایا تأثیر منفی بر رشد هیجانی اجتماعی آن‌ها می‌گذارد [۲].

برطبق تعریف سازمان بین‌المللی کار (International Labour Organization: IOL)، کودک کار به فرد زیر ۱۸ سالی گفته می‌شود که مجبور به انجام فعالیت‌های اقتصادی است. این فعالیت‌ها، کودکی، استعدادها، بالقوه، منزلت و شأن وی را تحت تأثیر قرار داده و برای تکامل جسمی و ذهنی او مضر است [۳]. این کودکان از جمله کودکان در معرض آسیب هستند که به دلایل شرایط اقتصادی، خانوادگی و برطرف نشدن نیازهایشان، بیشتر زمان خود را در محیط‌های ناامن خیابان می‌گذرانند، از سلامت جسمی، روانی و اجتماعی کمتری برخوردارند و میزان بالایی از مشکلات رفتاری و عاطفی در آن‌ها گزارش شده است [۴].

برطبق آمار ارائه شده در پژوهش‌ها، ۸۰ درصد کودکان کار ایران را کودکان کار افغان تشکیل می‌دهند که تبعات آینده آنان نگران‌کننده است [۵]. عواملی همچون بی‌سرپرستی، جدایی از خانواده و بازماندگی از تحصیل، رشد جسمی و روانی این کودکان را با مشکلات بسیاری مواجه می‌کند [۶]. آن‌ها در طبقات اقتصادی و اجتماعی بسیار پایین جامعه قرار دارند، در مشاغل با نیروی کار ساده مشغول‌اند و به سبب سواد کم، تفاوت‌های فرهنگی، ظاهری و پوششی تعامل کمی با ایرانیان دارند [۷]. اکثراً برای کنار آمدن با مشکلات، پرخاشگری می‌کنند و اغلب، والدینشان دارای بیماری‌های روانی و سوء

مصرف مواد هستند [۸]. پرخاشگری والدین یا این کودکان عامل پیش‌بینی‌کننده افسردگی، بزهکاری، سوء مصرف مواد، افت تحصیلی و رفتارهای ضد اجتماعی در آن‌ها است [۹]. بسیاری از این کودکان یا به سیستم آموزش وارد نشده‌اند یا مجدداً به کار بازگردانده می‌شوند یا به دلیل مشکلات زبانی، تفاوت‌های فرهنگی، تحصیلات اندک والدین، نداشتن ارتباط و سازگاری با محتوای درسی، رفتار تبعیض‌آمیز دانش‌آموزان و معلمان و مشکلات پوششی و ظاهری به انزوا کشیده می‌شوند و ترک تحصیل می‌کنند [۱۰، ۱۱]. این تجارب دردناک، باعث بروز مشکلات رفتاری در این کودکان می‌شود، به طوری که در روابط با دیگران و درک آن‌ها دچار مشکل می‌شوند، رفتارهای ناسالم خود را درست و صحیح پنداشته و متوجه آزاردهنده بودن رفتارهایشان نمی‌شوند [۱۲]. گاهی اوقات برای پنهان کردن احساسات منفی درونی و مبارزه با خشونت‌هایی که در خیابان گریبان‌گیر آنان می‌شود و نیز نجات از خطرات احتمالی، درمقابل شرایط ناایمن دست به رفتارهای پرخاشگرانه می‌زنند [۱۳].

اغلب کودکان کار به دلایل تجربه کردن شرایط سخت، در بروز هیجانات و احساسات خود دچار مشکل هستند. آن‌ها به دلیل بی‌مهری اطرافیان نمی‌توانند حالات و احساسات دیگران را درک کنند؛ به همین علت فاقد مهارت عاطفی لازم برای کنار آمدن با مشکلات هستند، همچنین به دلیل برجسب‌های منفی که از محیط دریافت می‌کنند دارای خودپنداره منفی یا ضعیف هستند [۱۴]. این کودکان امید به آینده پائینی دارند [۱۵]. احساس امنیت منجر به حس امید در کودک می‌شود، اما این حس تحت تأثیر مشکلات اقتصادی، فیزیکی و اجتماعی مانند بدرفتاری، سوءاستفاده و کم‌توجهی آسیب می‌بیند [۱۶، ۱۷]. برای کودکان کار، وقتی آینده، غیر قابل پیش‌بینی است و شرایط هم بسیار متغیر است، امید به آینده چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ ناامیدی در بعد فردی باعث از بین رفتن نیرو و اراده

روش کار

این یک مطالعه نیمه تجربی دو گروهی است که با مجوز کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد به شماره IR.IAU.NAJAFABAD.REC.۱۴۰۲.۰۴۴ و با اخذ مجوز از معاونت پژوهشی دانشگاه در سال ۱۴۰۲ انجام شد. جامعه پژوهش، کودکان کار مدرسه ابتدایی خیریه پسرانه پاک نژاد روستای کلنجان اصفهان بودند. ۵۰ دانش آموز مقطع ابتدایی که واجد معیارهای ورود به مطالعه بودند به صورت در دسترس انتخاب شدند. حجم نمونه با احتساب $\alpha=0.05$ ، میزان خطای نوع اول $\beta=0.02$ ، $d=4$ ، $S=24/61$ ، $\sigma=0.85$ براساس فرمول زیر محاسبه شد [۲۱]:

$$n = \frac{\left[2 \left(z_{1-\frac{\alpha}{2}} + z_{1-\beta} \right) \right]^2 \times s^2}{d^2}$$

به هر شرکت کننده یک کد اختصاص داده شد و براساس نرم افزار تصادفی سازی آنلاین در دو گروه ۲۵ نفره مداخله و کنترل تخصیص داده شدند. این تعداد نمونه با احتساب ۱۰ درصد میزان ریزش نمونه، مطابق با مطالعات مشابه محاسبه شده است [۲۲]. معیارهای ورود به مطالعه شامل کودک کار (کودک زیر ۱۸ سال که همراه با تحصیل یا بدون آن مجبور به انجام فعالیت اقتصادی است)، دارا بودن تابعیت افغانستان، دامنه سنی ۹-۱۵ سال (انتهای دامنه سنی که امکان ثبت نام در مدرسه را دارند) و تمایل به شرکت در مطالعه توسط کودک و والدینش بود [۲]. معیارهای خروج از مطالعه شامل غیبت بیش از دو جلسه در آموزش مهارت های زندگی و تمایل نداشتن به ادامه همکاری در مطالعه توسط کودک و والدینش بود. پس از بیان اهداف پژوهش و کسب اجازه از مسئولان مدرسه، ابتدا طی جلسه ای با حضور والدین، اهداف پژوهش برای

لازم برای رسیدن به اهداف آنها می شود [۱۸]. پس یکی از راه های افزایش نرخ امید به زندگی، پیشگیری از بروز مشکلات روانی و نیز ارتقای ظرفیت روان شناختی این کودکان و مجهز کردن آنان به مهارت های اساسی زندگی است [۱۹].

سازمان بهداشت جهانی (World Health Organization: WHO)، مهارت های زندگی را توانایی های برای انجام رفتارهای مثبت و انطباق پذیر با دیگران می داند که فرد را قادر می سازد تا با چالش ها و نیازمندی های روزانه به گونه ای مؤثر روبه رو شود. مهارت حل مسئله، همدلی، تفکر خلاق، تفکر انتقادی، ارتباط مؤثر، تصمیم گیری، مقابله با هیجان های منفی، مقابله با استرس، خود آگاهی و روابط بین فردی از جمله مهارت های ده گانه مورد نیاز در قرن حاضر است [۲۰]. یونیسف نیز مهارت های زندگی را مشتمل بر گروه بزرگی از مهارت های روانی اجتماعی و میان فردی تعریف می کند که می تواند به افراد کمک کند تا تصمیماتشان را آگاهانه اتخاذ کنند، به طور مؤثر با دیگران رابطه برقرار کنند، مهارت های مقابله ای و مدیریت شخصی خود را گسترش دهند و زندگی سالم و سازگارانه ای داشته باشند [۱].

با توجه به اینکه اهلیت یکی از پژوهشگران این مطالعه افغان است و به دلیل کار با این کودکان در مدرسه، از نزدیک شاهد مشکلات رفتاری و هیجانی آنهاست، عملاً مشاهده می شود که امید برای این کودکان معنا و مفهوم شناخته شده ای ندارد و مشکلات هیجانی رفتاری مذکور، به وضوح در این کودکان قابل مشاهده است. با توجه به جستجوهای به عمل آمده در پایگاه های اطلاعاتی معتبر و در دسترس، مطالعه ای درباره حل مشکلات هیجانی و رفتاری در کودکان کار افغان یافته نشد؛ براین اساس این دغدغه ملیتی، پژوهشگر را بر آن داشت تا با ارائه آموزش های مهارت های زندگی ویژه کودکان، به ارزیابی این موضوع پردازد؛ اگر این آموزش ها برای کودکان کار افغان مؤثر واقع شود، بتواند در ادامه فعالیت خود، آن را در دستور کار آموزش کودکان کار افغان قرار دهد و سهمی در ارتقای سلامت کودکان هم وطن خود داشته باشد.

آن‌ها شرح داده شد و از آن‌ها رضایت‌نامه کتبی برای شرکت کودکانشان در مطالعه اخذ شد. برای کودکان هم به زبان ساده نحوه انجام کار توضیح داده شد و رضایت آن‌ها جلب شد. سپس گروه مداخله در گروه‌های ۱۲-۱۰ نفره در دو روز هفته به مدت ده جلسه یک و نیم ساعته، آموزش‌های مهارت زندگی را براساس مهارت‌های ده‌گانه سازمان بهداشت جهانی که سازمان بهزیستی در کتاب آموزش مهارت‌های زندگی ویژه کودکان منتشر کرده است (جدول ۱) دریافت کردند [۲۳]. این جلسات در مدرسه و توسط پژوهشگر با اهلیت افغان زیر نظر پژوهشگر روان‌پرستار برگزار شد. آموزش به صورت سخنرانی، بحث گروهی، بازی و پرسش و پاسخ بود. از وسایل کمک آموزشی مانند وایت‌برد و اسلایدهای انیمیشنی نیز استفاده شد. نمونه‌گیری در بازه زمانی مهر تا دی‌ماه سال ۱۴۰۲ انجام شد. بدین صورت که دانش‌آموزان نوبت ثابت صبح، در گروه مداخله و نوبت ثابت عصر در گروه کنترل قرار گرفتند و بدین صورت از انتقال اطلاعات گروه مداخله به کنترل نیز جلوگیری شد. برای گروه کنترل مداخله‌ای انجام نشد، اما در پایان مطالعه براساس ملاحظات اخلاقی پژوهش، محتوای آموزش‌های ارائه‌شده در گروه مداخله طی یک کتابچه در اختیار آن‌ها قرار گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها، چک‌لیست مشخصات دموگرافیک (شامل سن، درآمد خانواده، میزان تحصیلات والدین، رتبه تولد، تعداد فرزندان خانواده، مدت اقامت در ایران و وضعیت تحصیلی کودک) و دو پرسش‌نامه سنجش نقاط قوت و ضعف کودک گودمن (Strengths and Difficulties Questionnaire: SDQ) [۲۵] و ناامیدی کادزین بود [۲۶]. گودمن پرسش‌نامه سنجش نقاط قوت و ضعف را در سال ۱۹۹۷ ساخت. این پرسش‌نامه برای سنین ۴-۱۶ سال به کار می‌رود. این فرم مخصوص آموزگار است. دارای ۲۵ گویه و پنج خرده‌مقیاس نشانه‌های هیجانی، مشکلات سلوک، بیش فعالی - کمبود توجه، مشکلات ارتباطی با

همسالان و رفتارهای جامعه‌پسند است. ۵ سؤال اضافی نیز برای سنجش طول مدت مشکلات و میزان پریشانی حاصل از آن‌ها، اثرات آن‌ها بر روی کارکرد کودک و نوجوان در ارتباط با زندگی خانوادگی، روابط دوستان، یادگیری در کلاس درس و فعالیت‌های تفریحی و یک سؤال نیز برای سنجش اثر احتمالی مشکل یا مشکلات رفتاری سنجش‌شده بر زندگی اطرافیان، در نظر گرفته شده است. پرسش‌نامه براساس مقیاس لیکرت سه‌درجه‌ای (درست نیست = ۰، تا حدی درست است = ۱ و کاملاً درست است = ۲) درجه‌بندی می‌شود. بعضی از عبارات زیرمقیاس‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه امتیاز این پرسش‌نامه بین ۷۴-۰ خواهد بود. امتیاز بالاتر نشان‌دهنده نقاط قوت و امتیاز کمتر، نشان‌دهنده ضعف کودک خواهد بود. روایی محتوا و پایایی این پرسش‌نامه با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ در مطالعات قبلی بر کودکان ۱۲-۶ ساله ایرانی تأیید شده است [۲۷].

پرسش‌نامه ناامیدی را کازدین و همکاران در سال ۱۹۸۳ طراحی کرده‌اند. دارای ۱۷ سؤال برای سنجش ناامیدی در سن ۱۶-۸ سال است. طیف پاسخگویی آن دو گزینه‌ای (بلی = ۱، خیر = ۰) است. سؤالات ۱، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۱ و ۱۶ به صورت پاسخ غلط و سؤالات ۲، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۷ به صورت صحیح نمره‌گذاری می‌شوند. دامنه نمرات بین ۱۷-۰ است. امتیاز بالاتر نشان‌دهنده میزان ناامیدی بیشتر کودک است. روایی محتوا و پایایی پرسش‌نامه مذکور با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ در مطالعات قبلی تأیید شده است [۲۸].

پرسش‌نامه‌ها را پژوهشگر به‌مثابه آموزگار، قبل و یک ماه بعد از مطالعه برای همه شرکت‌کنندگان تکمیل کرد. این دوره پیگیری براساس مطالعات مشابه در نظر گرفته شد [۲۴]. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (تعداد، درصد، میانگین و انحراف معیار) و استنباطی (تی مستقل و زوجی) در نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۸ استفاده شد.

جدول ۱. جلسات آموزش مهارت‌های زندگی

جلسه	هدف	محتوا	تکالیف
اول	آشنایی با مقررات انجام پیش‌آزمون آشنایی با مهارت خودآگاهی	آشنایی با مقررات جلسات معرفی کودکان با استفاده از فعالیت‌های ساختارمند مانند: «این من هستم.» و «کی هستم؟ چگونه عمل کنم؟» آشنایی با جعبه پاندورا. «من می‌توانم، آن‌ها می‌توانند.» ارائه فعالیت‌های بیان احساسات: «چه حسی دارم؟» ارائه فعالیت‌های جنگیدن با نگرانی، راه‌حل‌های غم و مدیریت عصبانیت	بیان نقاط مثبت خود نقاشی توانایی‌های من
دوم	آشنایی با مهارت مدیریت هیجان	تمرین تنفس عمیق و آدم آهنی تمرین بادکنک‌های خشم تمرین بازی با گل تمرین گروپ‌گروپ راه رفتن	قرار دادن کودک در موقعیت‌های فرضی و چسباندن احساسات مثبت و منفی در آن تمرین نوشتن احساسات
سوم	آشنایی با مهارت همدلی	آشنایی با مفهوم همدلی ارائه فعالیت همدلی با دوستان فعالیت تقویت همدلی با شرح داستان	قرار دادن کودک در موقعیت‌های همدل
چهارم	آشنایی با مهارت مدیریت استرس	مهارت‌های مقابله با استرس و اهمیت آن شناخت علائم استرس بررسی راه‌های مقابله با استرس اجزای تشکیل‌دهنده ارتباط	قرار دادن کودک در یک وضعیت استرس تمرین راه‌های مقابله با استرس
پنجم	آشنایی با مهارت ارتباط مؤثر	مهم‌ترین مهارت‌های ارتباطی شرح مهارت از طریق فیلم یا کارتن	قرار دادن کودک در شرایط برقراری ارتباط
ششم	آشنایی با مهارت روابط مؤثر بین‌فردی	ارائه فعالیت دوست شدن و نگه داشتن دوستی جرت‌مندی و مهارت نه گفتن ارائه روش‌های عملی برای جرت‌مند شدن تمرین سر تا پا گوش بودن	قرار دادن کودک در شرایط دوستی و رعایت حقوق دوستی تمرین مهارت نه گفتن و جرت‌مندی
هفتم	آشنایی با مهارت تفکر خلاق	خلاقیت و مهارت تفکر خلاق ویژگی‌های افراد خلاق ارائه بازی ماسه و سینی تمرین چی می‌بینی؟ چی فکر می‌کنی؟ تفکر انتقادی	تمرین نقاشی خلاقانه ساخت اشکال و تصاویر با ترکیبی از اشکال هندسی تکمیل تصاویر ناقص
هشتم	آشنایی با مهارت تفکر انتقادی	ویژگی‌های افراد دارای تفکر انتقادی راه‌های پرورش تفکر انتقادی در خود اخلاق گفتگو در تفکر انتقادی ارائه داستان و بحث و گفتگو	قرار دادن کودک در شرایط پرسش و تمرین «خودت را جای دیگری بگذار و دنیا را سیاه و سفید ببین.»
نهم	آشنایی با مهارت تصمیم‌گیری	تصمیم‌گیری مراحل تصمیم‌گیری انواع تصمیم‌گیری ارائه بازی چمدان و انتخاب ۵ وسیله تمرین حدس زدن ادامه داستان	قرار دادن کودک در شرایط تمرین پیش‌بینی عواقب تصمیم‌های مختلف تمرین ایستادگی در برابر فشار برای تغییر دادن یک تصمیم خوب
دهم	آشنایی با مهارت حل مسئله	مهارت حل مسئله مراحل آن تمرین خانه‌سازی یا لگو بازی، پازل، ماز	قرار دادن کودک در شرایط حل مسئله و تخمین و پیامد و بارش فکری

یافته‌ها

فرزند و بالاتر بودند. والدین این کودکان اکثراً بی‌سواد بودند و بیش از ۱۰ سال در ایران اقامت داشتند و متوسط درآمد آن‌ها بیش از ۱۱ میلیون تومان بود. توزیع فراوانی شرکت‌کنندگان در دو گروه مداخله و کنترل رابطه معنادار نداشت و گروه‌ها همسان بودند (جدول ۲).

در این مطالعه ۴۶٪ افراد مورد مطالعه ۱۲ سال سن داشتند. از این افراد، ۴۶٪ کلاس دوم و ۲۲٪ فرزند اول یا دوم خانواده‌های دارای ۷

جدول ۲. توزیع فراوانی مشخصات دموگرافیک شرکت‌کنندگان در دو گروه

متغیر	گروه مداخله تعداد (درصد)	گروه کنترل تعداد (درصد)	کای اسکوتر P
سن	۹ سال	۳ (۱۲/۰٪)	۰/۲۰۳
	۱۰ سال	۴ (۱۶/۰٪)	
	۱۱ سال	۶ (۲۴/۰٪)	
	۱۲ سال	۷ (۲۸/۰٪)	
	۱۳ سال	۵ (۲۰/۰٪)	
	۱۴ سال	۰ (۰/۰٪)	
	کلاس اول	۷ (۲۸/۰٪)	
وضعیت تحصیلی	کلاس دوم	۱۷ (۶۸/۰٪)	۰/۰۵
	کلاس سوم	۱ (۴/۰٪)	
	۲ سال	۴ (۱۸/۲٪)	
	۲-۵ سال	۰ (۰/۰٪)	
مدت‌زمان اقامت در ایران	۵-۷ سال	۰ (۰/۰٪)	۰/۰۴۲
	۷-۱۰ سال	۳ (۱۳/۶٪)	
	بیش از ۱۰ سال	۱۵ (۶۸/۲٪)	
	بی‌سواد	۱۹ (۷۶/۰٪)	
	۲ کلاس	۳ (۱۲/۰٪)	
	۲-۵ کلاس	۱ (۴/۰٪)	
	سیکل	۲ (۸/۰٪)	
تحصیلات پدر	بی‌سواد	۲۱ (۸۴/۰٪)	۰/۰۳۷
	۲ کلاس	۳ (۱۲/۰٪)	
	۲-۵ کلاس	۱ (۴/۰٪)	
	۵-۱۰ میلیون	۵ (۲۰/۰٪)	
تحصیلات مادر	۱۰-۱۵ میلیون	۹ (۳۶/۰٪)	۰/۵۰۷
	بالاتر از ۱۵ میلیون	۱۱ (۴۴/۰٪)	
	۱ فرزند	۱ (۴/۰٪)	
	۳ فرزند	۲ (۸/۰٪)	
درآمد خانواده	۴ فرزند	۴ (۱۶/۰٪)	۰/۶۵۱
	۵ فرزند	۳ (۱۲/۰٪)	
	۶ فرزند	۷ (۲۸/۰٪)	
	۷ فرزند	۸ (۳۲/۰٪)	
	فرزند اول	۵ (۲۰/۰٪)	
	فرزند دوم	۴ (۱۶/۰٪)	
	فرزند سوم	۳ (۱۲/۰٪)	
	فرزند چهارم	۵ (۲۰/۰٪)	
	فرزند پنجم	۳ (۱۲/۰٪)	
	فرزند ششم	۲ (۸/۰٪)	
رتبه تولد	فرزند هفتم	۲ (۸/۰٪)	۰/۷۵۳
	فرزند هشتم	۱ (۴/۰٪)	
	تعداد فرزند خانواده	۵ (۲۰/۰٪)	
	۷ فرزند	۳ (۱۲/۰٪)	
تعداد فرزند خانواده	۸ فرزند	۴ (۱۶/۰٪)	۰/۳۲۹
	فرزند اول	۳ (۱۲/۰٪)	
	فرزند دوم	۷ (۲۸/۰٪)	
	فرزند سوم	۵ (۲۰/۰٪)	
	فرزند چهارم	۶ (۲۴/۰٪)	
	فرزند پنجم	۳ (۱۲/۰٪)	
	فرزند ششم	۷ (۲۸/۰٪)	
	فرزند هفتم	۴ (۱۶/۰٪)	
	فرزند هشتم	۲ (۸/۰٪)	
	رتبه تولد	۲ (۸/۰٪)	

بحث و نتیجه گیری

این مطالعه با هدف تعیین تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر مشکلات هیجانی رفتاری و امید به آینده کودکان کار افغان انجام شد. نتایج این مطالعه نشان داد که مشکلات رفتاری کودکان کار بعد از آموزش مهارت‌های زندگی در همه مؤلفه‌ها کاهش معنادار داشت؛ اما مؤلفه بیش‌فعالی تحت تأثیر این آموزش‌ها قرار نگرفت. مشکلات هیجانی این کودکان به دنبال آموزش مهارت‌های زندگی قابل کنترل شد که این نتایج با مطالعات انجام‌شده مشابه که اثربخشی آموزش‌ها را بلافاصله تا یک ماه بعد از مداخله سنجیده بودند، همسو است [۳۱-۲۳، ۲۹]. برای تبیین این یافته می‌توان گفت از آنجا که مهارت‌های زندگی، توانایی انجام رفتارهای مثبت و سازگارانه‌ای هستند که افراد را برای مقابله مؤثر با خواسته‌ها و چالش‌های روزمره آماده می‌کنند، می‌توانند به صورت مجموعه‌ای از مهارت‌های روانی و بین‌فردی به تصمیم‌گیری آگاهانه، حل مسئله، ارتباط مؤثر، ایجاد روابط سالم و کنار آمدن با زندگی به شیوه سالم و مولد کمک کنند و موجب ارتقای توانایی‌های روانی و اجتماعی در کودکان کار مهاجر شوند [۳۲]. ارتقای این مهارت‌ها می‌تواند توانایی این کودکان را در برخورد با موقعیت‌های خاص زندگی مانند مهاجرت، فرهنگ‌زدگی و بی‌توجهی‌های اجتماعی بهبود بخشد و به آن‌ها کمک کند تا بتوانند با سایر انسان‌ها، جامعه،

در متغیرهای پژوهش قبل از مطالعه، احتمال معناداری در آزمون کولموگروف-اسمیرنوف بیش از سطح خطای ۰/۰۵ بود و می‌توان گفت که توزیع متغیرها در نمونه آماری قبل و بعد از مطالعه نرمال بود (جدول ۳).

میانگین نمرات مشکلات هیجانی رفتاری در دو گروه یکسان بود، ولی بعد از مطالعه در گروه مداخله کاهش و در گروه کنترل ثابت بود. اما میانگین نمرات امید به آینده قبل و بعد مطالعه معنادار نبود (جدول ۴).

میانگین نمرات مؤلفه‌های مشکلات هیجانی رفتاری، به جز متغیر بیش‌فعالی در گروه مداخله بعد از مطالعه کاهش داشت؛ اما در گروه کنترل میانگین تقریباً ثابت یا افزایشی بودند (جدول ۵). میانگین نمرات مؤلفه‌های امید به آینده، در دو گروه تقریباً ثابت بود (جدول ۶).

جدول ۳. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها

متغیر	قبل/بعد از مطالعه	مقدار آماره کولموگروف-اسمیرنوف	p
مشکلات	قبل	۰/۱۴۳	۰/۱۵
هیجانی رفتاری	بعد	۰/۱۰۳	۰/۲۰
امید به آینده	قبل	۰/۱۲۴	۰/۱۸
	بعد	۰/۱۲۲	۰/۱۸

جدول ۴. تعیین و مقایسه میانگین نمره مشکلات هیجانی رفتاری و امید به آینده قبل و بعد از مطالعه در دو گروه

متغیر	زمان	گروه مداخله		گروه کنترل		آزمون t مستقل	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	t	p
مشکلات هیجانی رفتاری	قبل مطالعه	۶۴/۳۳	۰/۸۵	۷۰/۱۹	۰/۶۸	۰/۷۱	۰/۴۸
	بعد مطالعه	۴۶/۳۱	۰/۴۹	۷۲/۴۴	۰/۸۴	۴/۸۷	۰/۰۰۱
	t- paired	-۷/۱۷	۰/۰۰۱	-۱/۲۶	۰/۲۱		
		t	p	t	p		
امید به آینده	قبل از مطالعه	۱۶/۶۰	۸/۷۵	۱۶/۶۶	۷/۹۱	-۰/۷۱	۰/۶۲
	بعد از مطالعه	۱۶/۰۳	۶/۱۸	۱۶/۲۳	۷/۵۰	-۶/۶۴	۰/۱
	t- paired	-۹/۹۰	۰/۰۰۱	-۲/۰۴	۰/۰۵۱		
		t	p	t	p		

جدول ۵. مقایسه میانگین نمره مؤلفه‌های مشکلات هیجانی رفتاری قبل و بعد از مطالعه در دو گروه

مؤلفه‌های مشکلات رفتاری هیجانی	گروه	قبل از مطالعه		بعد از مطالعه		آزمون	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	Z	p
مشکلات هیجانی	مداخله	۲/۷۲	۲/۲۴	۲/۳۶	۱/۷۰	۱/۹۵	۰/۰۰۱
	کنترل	۳/۵۲	۲/۴۸	۴/۰۹	۲/۳۳	۲/۱۱	۰/۳۹
مشکلات سلوک	مداخله	۴/۹۶	۳/۲۴	۴/۰۸	۳/۲۵	۰/۲۵	۰/۰۰۱
	کنترل	۳/۷۴	۲/۳۸	۳/۳۰	۲/۲۸	۱/۲۵	۰/۲۱
بیش‌فعالی	مداخله	۵/۶۰	۲/۸۴	۶/۰۸	۲/۵۹	۰/۳۰	۰/۱
	کنترل	۴/۹۱	۲/۶۲	۵/۰۰	۲/۶۴	۱/۹۵	۰/۳۲
مشکلات ارتباطی با همسالان	مداخله	۳/۸۴	۱/۳۴	۳/۳۲	۱/۱۸	۷/۰۹	۰/۰۰۱
	کنترل	۳/۵۲	۱/۸۰	۳/۵۲	۲/۰۴	۴/۵۶	۰/۴۶
رفتارهای جامعه‌پسند	مداخله	۵/۵۲	۲/۸۴	۵/۳۶	۲/۳۷	۴/۰۶	۰/۰۰۱
	کنترل	۵/۸۳	۱/۸۹	۵/۷۸	۱/۵۶	۵/۴۸	۰/۲۱

فرهنگ و محیط، به‌طور مثبت و سازگارانه‌تر برخورد کنند و مشکلات رفتاری هیجانی کمتری بروز دهند.

در این مطالعه، به‌دنبال آموزش مهارت‌های زندگی، مشکلات سلوک کودکان کار مهاجر کاهش یافت که با نتایج مطالعات مشابه همسو بود [۳۳-۳۶]. می‌توان گفت در اختلال سلوک یکی از مسائل مهم زیر پا گذاشتن حقوق دیگران است که نسبت به سایر اختلالات عاطفی رفتاری از فراوانی بیشتری برخوردار است [۳۷]. دراین‌باره، یکی از اهداف آموزش مهارت‌های زندگی احترام به حقوق دیگران است [۳۸]. این آموزش‌ها برای کودکان کار افغان که با آسیب‌های کار کردن در محیطی دور از وطن و بدون برخورداری از حقوق برابر مواجه هستند، باعث شد که مهارت‌های سازگاری در حل مشکلات را یاد بگیرند و به شیوه‌ای مؤثر ارتباط برقرار کنند.

جدول ۶. مقایسه میانگین مؤلفه‌های امید به آینده قبل و بعد از مطالعه در دو گروه

مؤلفه‌های امید به آینده	گروه	قبل از مطالعه		بعد از مطالعه	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
انتظارات آینده	مداخله	۳/۳۶	۱/۸۹	۳/۲۲	۱/۹۸
	کنترل	۵/۲۶	۲/۹۵	۵/۲۴	۳/۱۹
شادکامی	مداخله	۳/۰۸	۱/۱۱	۳/۰۴	۱/۱۸
	کنترل	۳/۶۵	۱/۵۲	۳/۶۰	۱/۴۹

همچنین به‌دنبال آموزش مهارت‌های زندگی، مشکلات ارتباطی این کودکان نیز بهبود یافت که همسو با مطالعات دیگر است؛ ولی با نتایج مطالعه ایتومیا متفاوت است [۴۱-۳۹]. این مسئله نشان می‌دهد که کودکان کار مهاجر با وجود محیط خانوادگی، بدون احساس امنیت و آرامش و ارتباطات محدودشده در جامعه بیگانه و تجربیات تلخ ناشی از آن، با دریافت آموزش مهارت‌های بین‌فردی یاد گرفتند که احساسات و عواطف خود را از طریق پیام‌های کلامی و غیر کلامی به‌درستی به‌طرف مقابل منتقل کنند و بدین‌ترتیب روابط صمیمی و گرمی با دوستان و همسالانشان پیدا کنند.

در این مطالعه مشاهده شد که رفتارهای جامعه‌پسند کودکان کار افغان نیز به‌دنبال آموزش مهارت‌های زندگی ارتقا یافت. بررسی مطالعات مشابه نیز تأییدکننده این یافته بود [۴۴-۴۲]. از این نتیجه می‌توان دریافت که آموختن و به‌کارگیری مهارت‌های زندگی، بر تصور فرد از خود و دیگران از وی اثرگذار است. همچنین این آموزش‌ها می‌توانند بر اعتماد به نفس و خودارزشمندی کودکان تأثیر مثبت داشته باشد و به‌تبع آن رفتارهای جامعه‌پسند در آن‌ها ارتقا یابد [۳۹]. همزمان با رشد این توانایی‌ها، انگیزه کودکان در مراقبت از خود و دیگران و احترام به هنجارهای اجتماعی افزایش

می‌یابد که در طول زمان باعث پیشگیری از مشکلات رفتاری می‌شود [۴۲].

اما بیش‌فعالی کودکان کار مهاجر، به‌دنبال آموزش مهارت‌های زندگی بهبود نیافت. برخی مطالعات نیز تأثیر این آموزش‌ها را بر این مشکل رفتاری، مثبت ارزیابی نکردند؛ زیرا این کودکان رعایت قانون و پیروی از نظم اجتماعی را نیاموخته‌اند و یک هرج‌ومرج در رفتار آن‌ها وجود دارد [۴۵، ۴۶]. لازم است قبل از تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر این کودکان، فقر فرهنگی و اختلالات موجود در والدین و سرپرستان آن‌ها اصلاح شود تا این خانواده‌ها به شرایط برابر در مقایسه با خانواده‌های دیگر دست یابند. در این شرایط، با فراهم‌سازی بستر مناسب، امکان اثربخشی آموزش‌ها بر بیش‌فعالی این کودکان در کنار دارودرمانی و درمان‌های روان‌شناختی فراهم خواهد شد [۴۵].

در مطالعه حاضر، آموزش مهارت‌های زندگی به‌صورت کلی بر امید به آینده کودکان کار افغان تأثیر نداشت، اما به‌صورت جزء، توانست مؤلفه‌های امید به آینده ازجمله انتظارات آینده و شادکامی را تا حدی ارتقا دهد که این نتیجه با مطالعات دیگر همسو است [۴۷، ۴۸، ۱۶]. از آنجاکه ایجاد امید به آینده یک فرایند طولانی‌مدت است و باید این کودکان، آموزش‌هایی را که دیده‌اند، در طول زمان تمرین کنند، انتظار نمی‌رود امید به آینده در آن‌ها طی یک ماه افزایش یابد و مدت‌زمان بیشتری لازم است تا تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر این متغیر آشکار شود. اما در کوتاه‌مدت توانست دریچه‌ای به دریافت شادکامی و ایجاد انتظار و آرزو برایشان ایجاد کند؛ زیرا نبود کانون گرم و صمیمی خانواده و رویارویی هرروزه این کودکان با چالش‌ها و تنش‌ها، باعث می‌شود که آن‌ها امید به زندگی پایینی داشته باشند؛ زیرا مشکلات اقتصادی، اجتماعی، جسمی و تحصیلی، همچنین بدرفتاری، سوءاستفاده، خشونت، کم‌توجهی و ارضا نشدن نیازهای عاطفی، باعث پایین آمدن و پایین ماندن امید در این کودکان می‌شود [۴۷، ۱۶].

آنچه از این مطالعه دریافته می‌شود آن است که آموزش مهارت‌های زندگی باعث ارتقای میانگین نمرات مؤلفه‌های نقاط قوت در کودکان کار افغان شد. در این آموزش‌ها کوشش شد به آن‌ها آموزش داده شود که چگونه با دیگران ارتباط مؤثر داشته باشند و هیجانات خود را کنترل کنند. همچنین شناسایی احساسات و تنظیم هیجانات ناخوشایند مانند غم، نگرانی و اضطراب منجر به کاهش مشکلات هیجانی آن‌ها در زمان مورد بررسی شد.

از محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به محدود کردن جامعه آماری به کودکان کار افغان مقیم شهر اصفهان و همکاری ضعیف این کودکان جهت اجرای مداخله به‌دلیل تفاوت‌های فرهنگی و نیز سن آن‌ها اشاره کرد که کوشش شد تا حد امکان با صرف وقت و حوصله توسط پژوهشگر هم‌وطن آن‌ها این محدودیت‌ها کنترل شود. به‌دلیل کمبود حجم نمونه، امکان حذف متغیرهای معنادار ازجمله وضعیت تحصیلی، مدت اقامت و تفاوت در تحصیلات پدر در دو گروه نبود و به تخصیص تصادفی نمونه‌ها و بررسی نرمالیت متغیرها بسنده شد. به‌دلیل محدودیت زمانی، امکان بررسی بلندمدت رفتار بعد از آموزش وجود نداشت.

از آنجاکه در این مطالعه در بازه زمانی ارائه آموزش‌های مهارت‌های زندگی تا یک ماه بعد از آن، درباره ارتقای سطح امید به آینده کودکان کار نتایج اثربخشی دریافت نشد و نیز این آموزش‌ها نتوانست بر بیش‌فعالی این کودکان مؤثر باشد؛ پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی اثربخشی درازمدت آموزش مهارت‌های زندگی بر مشکلات هیجانی رفتاری و امید کودکان کار مهاجر بررسی شود. همچنین با حجم نمونه بیشتر، در سنین مختلف و نیز با درگیر کردن والدین در فرایند یاددهی - یادگیری، امکان تثبیت یادگیری بررسی شود.

نتایج این مطالعه نشان داد که تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر میانگین مؤلفه‌های نقاط قوت کودکان کار افغان تا یک ماه بعد از جلسات آموزشی تداوم داشت. به‌ویژه مشکلات سلوک، ارتباطی، رفتارهای جامعه‌پسند و هیجانی، بیشتر تحت تأثیر آموزش‌ها قرار

تضاد در منافع

نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی نداشتند.

مشارکت نویسندگان

نسیمه نوریان: ایده پردازی، گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ مریم مقیمیان: چارچوب بندی، تبیین و نگارش مقاله. نویسندگان نسخه نهایی مقاله را مطالعه و تأیید کرده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

حمایت مالی

پژوهش حاضر هیچ گونه حمایت مالی از هیچ سازمانی دریافت نکرده است.

دسترسی داده‌ها

در صورت درخواست مجله، دسترسی به داده‌ها و مواد پژوهشی امکان پذیر است. مریم مقیمیان، نویسنده مسئول مقاله، هر گونه اطلاعات درباره داده‌ها را از طریق تماس درخواست کننده با شماره ۰۰۹۸۹۱۳۱۱۴۳۲۵۴ یا فرستادن ایمیل به آدرس maryam.moghimian@iau.ac.ir ارائه خواهد کرد.

References

- May M, Ailarova A. Basic life skills curriculum. 2023;1-4.
- Khodabakhshi-Koolae A, Falsafinejad MR, Abbas Gholeinejad M. The effectiveness of storytelling on reducing the aggression and loneliness of Afghan refugee children. J Pediatric Nurs. 2019; 5 (2): 59-67.
- International Laborer Organization. what is child laborer:?
- Kazemi S. The labour children: In a world they never model. Community Health. 2017;4(2):76-8
- Karami F, Azmounia E. Working and street children in Iran: Evaluation of intervention plans and models

قدردانی

این پژوهش برگرفته از به پایان نامه کارشناسی ارشد خانم نسیمه نوریان است. پژوهشگران از مسئولان دبستان پاک‌نژاد اصفهان و کلیه شرکت کنندگان که در انجام این پژوهش همکاری داشتند، صمیمانه تشکر و قدردانی کنند. این پژوهش پس از دریافت کد اخلاق به شماره IR.IAU.NAJAFABAD.REC.1402.044 از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد و کسب مجوزهای لازم انجام شد و کلیه ملاحظات اخلاقی در زمینه محرمانگی اطلاعات و رعایت حقوق شرکت کنندگان در آن رعایت شده است.

- and requirements for developing a comprehensive intervention plan. Social Studies (Pathol Depart). 2021.
6. Behnia M, Mahmoudian S. The right to education for Afghan refugee children in Iran in light of the international asylum system. *Int Law Rev*. 2022; 39(66):317-38.
 7. Janzadeh A. Determinant factors in immigration of Afghans to Iran. *Political Quarterly*. 2020; 50(4): 1067-92.
 8. Rasekhinejad M, khodabakhshi-koolae A. Effectiveness of psychodrama on increasing social skills and reducing of aggression in Afghan immigrant labor children. *J Pediatric Nurs*. 2019; 6 (2) :60-7.
 9. Zwi K, Woodland L, Williams K, Palasanthiran P, Rungan S, Jaffe A, et al. Protective factors for social-emotional well-being of refugee children in the first three years of settlement in Australia. *Arch Dis Child*. 2018; 103(3):261-68.
 10. Behnam N, Sadrnabavi F, Fouladiyan M. Multidimensional determinism and selective dropout A qualitative study of educational survival process of Afghan children living in Mashhad. *J Sociol Social Institutions*. 2022; 9(20):7-29.
 11. Mosavi S, Fathi K, Haggani M, Safaei Movahed S. Primary school teachers' understanding of the challenges faced by Afghan immigrant students : A qualitative study. *Curriculum Res*. 2021; 10(2); 34-65.
 12. Abdi F, Dibavajari M. The effect of dialectical play therapy on self-concept and aggression of working children. *Iranian Quarterly J Behav Sci Psychol*. 2020; 23(1): 87-97.
 13. Khankosh M, AminiI Rarani M, Nosratamadi M. Effect of anger management training on aggression and anxiety of working children. *Koomesh*. 2020; 22(2):255-62.
 14. Imanzadeh A, Alipour S. Lived experience of loneliness by Tabriz's labor children: A phenomenological study. *Social Studies Res Iran*. 2019; 8(2): 279-304.
 15. Akesson B. School as a place of violence and hope: Tensions of education for children and families in post-intifada Palestine. *Int J Educ Dev*. 2015; 41: 192-99.
 16. Sadabadi AA, Aramipour N, Fartash K. Applying social innovation to solve the problem of child laborer: using systems thinking. *Popularization of Science*. 2022; 12(2): 35-58.
 17. Bruner C. ACE, place, race, and poverty: Building hope for children. *Acad Pediatr*. 2017; 17(7): 123-29.
 18. Safari Shali R, Tawafi P. Assessing the hope for the future and its effective factors among the citizens of Tehran. *Social Dev Welfare Plan*. 2019; 9(35): 117-57.
 19. Nematzadeh Soteh P, Ghannadzadegan H, Emadian SO. Comparison of the effectiveness of procrastination-based cognitive behavioral training and cognitive motivational multidimensional intervention on procrastination of students with addicted parents in the second secondary level. *Social Psychol Res*. 2023; 13(49): 77-90.
 20. WHO. Life skills education school handbook. Approaches for Schools. 2020.
 21. Moghimian M, Fadaee S, Jouzi M, Goli Sh, Azarbarzin M, Goli M, et al. Alphabet research method in medical sciences: for using by students of medical sciences and researchers. Isfahan: Islamic Azad University of Najafabad; 2021.
 22. Syadat M, Jadidi M. Effect of social skills training on the self-esteem and identity dimensions of the labor Children. *Quarterly J Educ Psychol*. 2015;11(37);93-101.
 23. Mortazi G, Khakisedigh F. Life skills for children. Tehran: Welfare Organization Publications; 2019.
 24. Omid H, Sajedi F, Rostami R, Bakhshi E. Effectiveness of social skills training on self-esteem of students with attention deficit/hyperactivity disorder. *Empowering Exceptional Child*. 2018; 9(2): 27-37.
 25. Goodman R, Meltzer H, Bailey V. The strengths and difficulties questionnaire: A pilot study on the validity of the self-report version. *Eur Child Adolesc Psychiatry*. 1998; 7(3):125-30.
 26. Kazdin A E, Rodgers A, Colbus D. The hopelessness scale for children: psychometric characteristics and concurrent validity. *Journal of consulting and clinical psychology*, 1986;54(2): 241.
 27. Tehranidoust M, Shahrivar Z, Pakbaz B, Rezaei A, Ahmadi F. Validity of Farsi version of strengths and difficulties questionnaire (SDQ). *Adv Cognitive Sci*. 2007; 8 (4) :33-39.
 28. Ali Akbari Dehkordi M, Mohtashami T, Ali Akbari Dehkordi S. The study of psychometric characteristics of children hopelessness scale. *Daneshvar Behav*. 2018;16 (1): 213-222.
 29. Ahmadi Tabar M, Jafari F, Shafie N. The effectiveness of group reality therapy on reducing aggression and anxiety in working children. *New Adv Behav Sci*. 2020;5(51):14-27.
 30. Ghordat Z, Ghordat S. To determine the effectiveness of life skills training through play on behavioral problems in children. *Counsel Culture Psychother*.

- 2018; 8(32): 161-178.
31. Ibrahim A, Abdalla SM, Jafer M, Abdelgadir J, de Vries N. Child labor and health: a systematic literature review of the impacts of child labor on child's health in low- and middle-income countries. *J Public Health*. 2018;41(1):18-26.
32. Badan Firoz A, Makvand Hosseini S, Mohammadifar MA. The relationship of emotion regulation with depression and anxiety symptoms of university students: The mediating role of mindfulness. *Shenakht J Psychol Psychiatr*. 2017; 4 (2) :24-38.
33. Rostami Z, Hosseini SMH, Varnamkhasti F. The effectiveness of social skills on behavioral problems and school commitment of working children in Tehran. *Quarterly J Studies Res Behav Sci*. 2021;12: 11-24.
34. Abdi A, Hanaji N, Siyeh Bazi F. Comparing the effectiveness of behavioral skills training and schema mentalities training on aggression in 10-12 year old child laborers. *J New Adv Educ Psychol Educ*. 2019; 3(33): 10-7.
35. Etezadi N. The effectiveness of life skills training on promoting self-esteem and reducing bullying among working children [Master's thesis, general psychology]. Payam Noor University, Gilan Province; Astaneh Ashrafiyeh Center; 2019.
36. Sevinç MR, Aydoğdu MH, Cançelik M, Binici T, Palabıçak MA. Poverty, Child Labor, and Hope: The Relationship between Hope and Perceived Social Support in Children Working in Street Markets in TRC2 Region of Turkey. *Children (Basel)*. 2020;7(7):78.
37. Stokkebekk J, Iversen AC, Hollekim R, Ness O. "Keeping balance", "keeping distance" and "Keeping on with life": Child positions in divorced families with prolonged conflicts. *Child Youth Serv Rev*. 2019; 102:108-19.
38. Anvari J, Sardary B. The effectiveness of positive psychotherapy on improving cognitive emotion regulation strategies in male secondary high school students with anxiety symptoms. *Positive Psychol Res*. 2019; 5(2): 31-46.
39. Asghari Sarafaraz R. The effectiveness of life skills on parent-child relationships and self-esteem of working and street children [Master's thesis, Clinical Psychology]. Aras Campus; Faculty of Educational Sciences and Psychology. 1400.
40. Nikorad M. The effectiveness of teaching life skills to working and street children on improving skills and quality of life [Master's thesis, Clinical Psychology]. University of Science and Culture. 2018.
41. Famodu OO, Adebayo AM, Adebayo BE. Child labor and mental health status of in-school adolescents in a municipal local government area of Lagos state, Nigeria. *Int J Adolesc Med Health*. 2018; 33(2).
42. Mohajeri PA, Tehranizadeh M, Mardukhi MS. The effectiveness of life skills on social adaptation and happiness of working children. The Fourth National Conference on Educational Psychology; 2019.
43. Myburgh C, Moolla A, Poggenpoel M. The lived experiences of children living on the streets of Hillbrow. *Curationis*. 2015; 38(1): 1274.
44. Fathi Azar A, Taghipour K, Haj Aghaei Khiabani A. The effectiveness of teaching philosophy for children on emotional self-regulation in labor children. *Think Child*. 2020; 10(2):141-61.
45. Ndeti DM, Mutiso V, Gitonga I, Agudile E, Tele A, Birech L, et al. World Health Organization life-skills training is efficacious in reducing youth self-report scores in primary school going children in Kenya. *Early Interv Psychiatry*. 2019;13(5):1146-54.
46. Mozaffari M. The effect of life skills on reducing behavioral problems of child laborers [Master's thesis]. Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Social Sciences. 2013.
47. Simbar S, Hosseinkhanzadeh A A, Abolghasemi A. Hope for the future, attachment relationships, and emotional-behavioral problems in child labor. *J Child Ment Health*. 2019; 6 (3) :51-65
48. Safiri K, Ahmadi S, Rostami S, Parhoodeh F. The study of hopeful for the future of street working children. Second National Conference of Sociology and Social Sciences. 2014.